

هدف تعلیم و تربیت آدمی

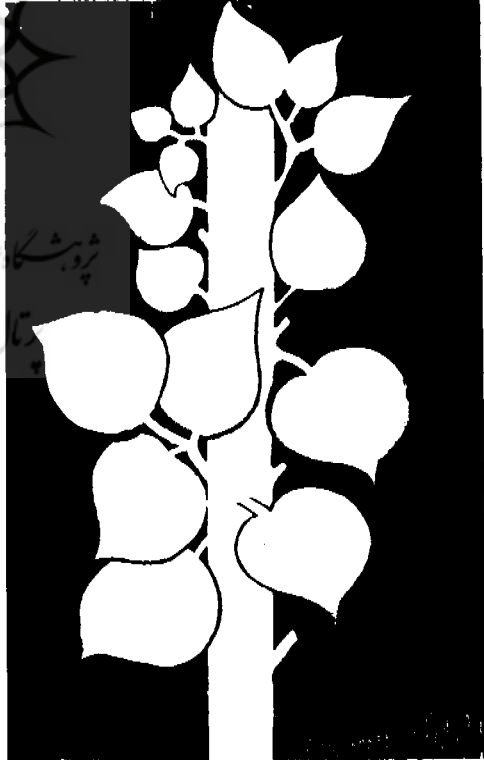
دکتر غلامحسین شکوهی

تعلیم و تربیت آدمی امری پیچیده، برداشته و وقتگیر است که همکاری نهادهای مختلف و افراد متعدد و هم آهنگی همه فعالیت‌های مربوطه را ایجاب می‌کند.

اولین شرط هم آهنگی فعالیت‌ها و وحدت هدف و مقصد است که باید برنامه‌ها و فعالیت‌های مربوطه را هدایت نماید. باید هدف‌گائی تعلیم و تربیت بطور کلی و مخصوصاً " برای افرادی که در تنظیم برنامه‌های مربوطه نقشی بعهدہ دارند روشن باشد و هدف تربیت جوانان در هریک از مراحل رشد نیز به صراحت تعیین و به مریبان اعلام گردد. تعیین و تصریح هدف غائی و هدف‌های واسطه‌ای که برای نیل به هدف غائی ناکزیر باید تحقق حاصل کنند علاوه بر اینکه وسیله مناسبی برای ایجاد هم آهنگی لازم در فعالیت‌هاست، شرط لازم امکان ارزشیابی نتایج فعالیت‌ها نیز می‌باشد.

ولی تعیین هدف غائی و هدف‌های واسطه‌ای گرچه لازم است، برای تضمین حسن جریان فعالیت‌هایی چنین متعدد و متنوع کافی نیست. علاوه بر آن، باید نیازهای فردی و جمعی بی که امکانات بالقوه آدمی برای پاسخگویی بدانها بفعل درمی‌آید، همواره مورد نظر باشد و وضع و موقع فردی و اجتماعی مورد تربیت که به منزله سکوی پرتاب برای قرار دادن وی در مسیر صحیح منتهی به هدف می‌باشد، به دقت ملحوظ گردد.

و نیز باید اصولی که در هر موقعیت تربیتی با توجه به موضع خاص مورد تربیت و مقتضیات محیط و با در نظر گرفتن هدف‌های فوری و فوئی وصول به هدف غائی را تضمین‌تواند کرد معلوم باشد تا کوشش‌هایی که بدین منظور صورت می‌گیرد از صورت تصادفی و پراکنده بدرآید و



جز درموردی که تقریباً " یقین دارد در جهت صالح کودک گام بر می دارد، حق ندارد و نباید به اقدام بیسابقه‌ای بپردازد. تعلیم و تربیت مجموعه‌ای منظمی از اعمال و رفتار است که پرورشکار آنها را دانسته و از روی عمد برای رسیدن به هدف با ارزشی از میان انبوهی اعمال و رفتار ممکن، که بر هریک آثاری مترتب است، برمی‌گزیند. به همین جهت آشنائی با قوانین حاکم بر رفتار آدمی و رعایت اصول تعلیم و تربیت که ناظر به تناسب رفتار تربیتی از طرفی و هدفهای مورد نظر از طرف دیگر می‌باشد، بر احتمال موفقیت مربی افزوده و از احتمال خطا می‌کاهد.

تعلیم و تربیت کوششی هدفدار است. مربی می‌داند چه می‌خواهد و کجا می‌رود. هدف باید با ارزش و استکمالی باشد و وصول بدان منافع فرد و مصالح اجتماع را متضمن باشد.

تعلیم و تربیت مستلزم طرح و نقشه مناسب است. برای مربی که هدایت رشد را بعهده دارد، شناختن مقصد، لازم است ولی کافی نیست. باید موقع کنونی مورد تربیت را در نظر بگیرد و با توجه به موضع فعلیش مسیر مناسب برای رسیدن به مقصد را مشخص سازد. سپس تعلیم و تربیت مستلزم طرح و نقشه ایست که اجرای آن مورد تربیت را به یمن راهنمائیهای داهیانیه مربی به سهل ترین طریق و از مطمئن ترین راه، از آنجا که هست و با وضعی که دارد، بدانجا که مقصد او و مقصد همه‌ی هم‌عواضش می‌باشد برساند.

بديهی است که مجموعه‌ای این برنامه‌ها و فعالیتهای باید به دقت سازمان‌یابد و برای آنها نظامی متناسب بوجود آید. و همچنین باید نتایج حاصله از تدابیری که در هر مورد اتخاذ

نیروهائی که برای تعلیم و تربیت افراد تجهیز می‌شود و معمولاً " برای اداره امور بطرز رضایت بخش بسنده نیست، بهدر نرود.

آنگاه باید با توجه به جمیع جهات فوق‌الذکر برای تعلیم و تربیت نسل جوان طرحها و نقشه‌های مناسب تهیه و باروشهائی که سودمندی آنها به تجربه ثابت شده است به موقع اجرا گذاشته شود. به قول دکتر هوشیار "تعلیم و تربیت فعل و انفعالی است میان دو قطب سیال که مسبوق به اصلی و متوجه به هدفی و مستلزم طرح و نقشه‌ای باشد." تعلیم و تربیت، فعل و انفعال است، جریان یک طرفه نیست، نوعی تأثیر متقابل است. وقتی مربی دریک موقعیت خاص تربیتی با اتخاذ تدابیر مناسب مورد تربیت را به منظور معینی تحت تأثیر قرار می‌دهد، خود نیز، نه تنها تحت تأثیر عکس‌العمل مربی بلکه تحت تأثیر رفتار خویش قرار می‌گیرد و تربیت می‌شود.

تعلیم و تربیت، فعل و انفعالی است میان دو قطب سیال: مربی و مربی همیشه بر یک حال نیستند، چنانکه قبلاً گفته شد عمل تربیتی در عین حال روی هر دو تأثیر می‌گذارد. بعلاوه، شرایط متغیر زمان و مکان یعنی مقتضیات محیط کیفیت فعل و انفعال را پیوسته تغییر می‌دهد.

تعلیم و تربیت باید مسبوق به اصلی و متوجه هدفی باشد، تعلیم و تربیت تلاشی کور گورانه یا نوعی آزمایش و خطا نیست. مربی حق ندارد دست به اعمالی بزند که عواقب تربیتی آن برایش معلوم نیست. مربی نباید اقدامی بکند تا ببیند چه خواهد شد. بقول معروف، کودک خوک آزمایشگاه نیست. مربی

دل گویند. " سپس در جای دیگر می نویسد: " دل را که آفریده اند. برای آخرت آفریده اند. و کار وی طلب سعادت است. و سعادت وی در معرفت خدای تعالی است، و معرفت خدای تعالی وی را به معرفت صنع خدای تعالی حاصل آید، و آن جمله: عالم است. و معرفت عجایب عالم وی را از راه حواس حاصل آید. " باز در جای دیگر می نویسد: " هر چیزی را که کمالی داده باشند، که آن نهایت درجه وی بود، وی را برای آن آفریده باشند. " و اندکی بعد تصریح می کند: " آدمی را آنچه سباع و بهائم را داده اند هست، و زیادت از آن وی را کمالی داده اند و آن، عقل است. که بدان خدای بشناسد، و حکمت و عجایب صنع وی بداند، و بدان خویشی را از دست شهوت و غضب برهاند. "



و بموقع اجرا گذاشته می شود، وقتی زمان آن فرا رسید، ارزیابی شود و چنانچه بین نتایج مورد انتظار و آنچه عملاً بدست آمده است تفاوت فاحشی درجهت منفی مشاهده شود اقدامات مربوطه مورد تجدید نظر قرار گیرد و اثرات این تدابیر اخیر نیز به نوبه خود ارزیابی شود، بطوری که با ارزشیابیهای متوالی و تجدید نظرها و چاره جوئیهای بموقع بتوان تعلیم و تربیت طبقه جوان را روز بروز بهسود بخشید.

تصریح هدف غائی تربیت

هر موجودی را کمالی است که هدف خلقت او و به تبع آن، هدف تربیتش رسیدن بدان است. بنابراین، هدف تعلیم و تربیت آدمی تسهیل سیر صعودی و استکمالی انسان به سوی حالت کمالی است که در خلقتش مقدر شده است.

بیان هدف تعلیم و تربیت آدمی بدین صورت، ولو از لحاظ نظری قانع کننده باشد از نقطه نظر عملی مفید فایده ای نیست و مریبان را بکار نمی آید. زیرا حالت کمالی را که در خلقتش مقدر شده است، می توان به صورت مختلف تصور کرد یا تعبیر و تفسیر نمود. لذا باید برای روشن شدن موضوع به تحقیقات درین زمینه ادامه داد و به توضیحات صاحب نظران درین باره رجوع کرد تا معلوم شود قانع کننده ترین نظر درین مورد کدام و اتفاق نظر درین باره تا چه پایه است؟

غزالی در مبحث شناختن نفس خویش می نویسد: " تو را از دو چیز آفریده اند: یکی این کالبد ظاهر است که آن را تن گویند... و دیگر معنی باطنی که آن را نفس گویند و جان گویند و

معقولات و به حد تمیز قبیح از جمیل برسد و بیاری‌اندیشه و از روی اراده ممدوح را بر مذموم اختیار کند .

اینک ، بعد از توضیح مفهوم کمال از نظر علماء اسلامی و قبل از ادامه بحث در مورد هدفهای تعلیم و تربیت به بررسی تصویر فرد کامل از نظر اسلام و اجتماعی که تعلیم و تربیت اسلامی در صدد تحقق آنست می‌پردازیم .

تصویر فرد در جوامع اسلامی

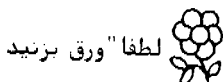
آز آنچه گذشت معلوم می‌شود که هدف غائی تعلیم و تربیت در اسلام این است که مقدمات حرکت و هدایت آدمی را در صراط مستقیم پرستش پروردگار فراهم آورد و معراج او را به مرحله کمال انسانی تسهیل نماید و راه بازگشت به احساس نقویمی را که بنیاد آفرینش وی بر آن استوار است ، هموار کند ، بطوری که در سایه عمل صالح مراحل و مدارج علم و ایمان را طی کند و خود را هر لحظه به خداوند متعال که مقصد نهائی این سیر و سلوک است نزدیکتر سازد .

انسان درین راه همواره با سه امر مرتبط با یکدیگر مواجه است :

۱ - خود انسان با همه استعدادها و امکاناتش

۲ - جامعه بشری و تاریخ و کلیه مظاهر و سامع آن

۳ - علم طبیعت .
لذا باید چگونگی رابطه آدمی را با خویش و با جامعه بشری و تاریخ آن و با عالم طبیعت و نیز رابطه این هر سه با یکدیگر ، معلوم شود و



لطفاً ورق بزنید

خواجه نصیرالدین طوسی نیز از کمال آدمی تصویر مشابهی ترسیم می‌کند :

"هر موجودی را از موجودات ... خاصیتی است که هیچ موجود دیگر با او در آن شرکت ندارد ، و تعیین و تحقق ماهیت او مستلزم آن خاصیت است ، و تواند بود که او را افعال دیگر بود که غیر او چیزهای دیگر با او در آن شریک باشند . . . و کمال هر چیزی در تمامی صدور خاصیت اوست از و ، و نقصان او در قصور آن صدور یا عدمش ."

"همچنین آدمی را خاصیتی است که بدان ممتاز است از دیگر موجودات ، و افعال و فوئهای دیگر است که در بعضی دیگر ، حیوانات با او شریک اند ، و در بعضی اصناف نبات و در بعضی معادن و دیگر اجسام . اما آن خاصیت که در آن غیر را با او مداخلت نیست معنی نطق است ، که او را به سبب آن ناطق گویند . . . و آن قوت ادراک معقولات و تمکن از تمیز و رویت آنکه بدان جمیل از قبیح و مذموم از محمود باز شناسد و بر حسب ارادت در آن تصرف کند . . . پس هر که این قوت را چنانکه باید بکار دارد و به ارادت و سعی به فضیلتی که او را متوجه بدان آفریده‌اند برسد خیر و سعید بود ، و اگر اهمال سراعات آن خاصیت کند ، . . . شریر و شقی باشد ."

با توجه به آنچه باختصار نقل شد ، می‌توان کمال آدمی را چنین توصیف کرد : آدمی باید حقیقت وجود خود بشناسد و بداند که او را از دو چیز آفریده‌اند : یکی نفس یا دل که حقیقت آدمی آنست ، و دیگر سر که نفس ناطقه را بسترنده خدمتگار باشد . تیمار تن بدان حد نباید داشت که از عهده خدماتی که بعهدده وی سحول است برآید . و اما کمال آدمی در این است که با استفاده از امکاناتی که دارد به مرحله ادراک

و تذکر و ایمان و تقوی، آیات حق شناخته می - شود و آگاهی از رازهای آفرینش و نظم حاکم بر خلقت امکان پذیر می گردد و پیشرفت‌های علمی و فنی بی‌میسر می شود که مبتنی بر تتبع و تحقیق پژوهشگران پرهیزگاری است که می - توانند بی حجاب و مانعی درباره نظم جهان و قوانین حاکم بر آن بیندیشند و استعداد های علمی خویش را در راه فهم و درک آن بکسار گیرند و دید حقیقت بین شان از حجابها بگذرد و حق را قبل و بعد و همزمان با امور و اشیاء دریابد و او راهمه جا با خود بیند و زندگی فردی و اجتماعی را جلوه‌ای از حقیقت بیابد و جمال و جلال و کمال مطلق را در این قلمرو نیز حکمروا بدانند .

بدین سان ، دامنه علم گسترش می‌یابد و آثار عملی آن در انتظام کارها و معاش مسردم ظاهر می گردد . در چنین فضائی از تعلیم و تربیت ، که در آن انسان خداوند رحمن و رحیم و عادل و حکیم را مبداء و مقصد حرکت خود می شناسد جامعه‌ای بنیاد می شود که به آزادی احترام می گذارد و روح برادری را تقویت می - کند و بدر ایمان و اعتقاد به مساوات را در دلها می افشاند و مفید بودن به حال دیگران و اهتمام در کار جامعه را روشی انسانی تلقی و به آدمی‌زادگان توصیه می کند تا با همه توان خود در خدمت هموعان خویش باشند و استعداد های علمی و فنی و امکانات فکری و دست آوردهای علمی خود را در راه ناءمین مصالح امت بکسار اندازند . خانواده را کانون مودت و رحمت می شناسد و مطابق سنت الهی ، دگرگونی جوامع را در گرو دگرگونی جانهای مردمی اعلام می کند که عوامل تشکیل دهنده آن جوامع اند؛ اجتماع بشری را به مثابه موجود

همچنین نحوه ارتباط این سه با مبداء آفرینش روشن گردد و همواره مد نظر باشد . توجه بدین روابط است که رسالت و نیز اهداف ثانوی تعلیم و تربیت را مشخص می‌کند و تحقق این رسالت است که ما را با آمیزه‌ای از علم و ایمان و عمل از ظلمت ها می رهند و به جانب نور و روشنائی رهنمون می گردد و سرانجام بشریت را متناسب با مقدراتش به هدف غائی تعلیم و تربیت نزدیک می سازد . بنابراین ، هدف آموزش و پرورش تربیت مردمی مومن ، متقی و مسئول ، در رابطه با خالق ، مفید و منتهد در رابطه با جامعه و متفکر و خلاق و مولد در رابطه با عالم طبیعت است .

بدین سان ، امور مربوط به تربیت و تعلیم و تحقیق از نظم و سازمانی برخوردار می شود که جلوه‌ای از نظام و سازمان کل کائنات و مظهری از آیات خالق و ناظم آنست که سرچشمه حیات و حرکت و زیبایی و آگاهی و ارزش می باشد .

از مجاهده انسان در این مسیر که با مشیت الهی هموار و با هدایت وی نورانی می شود و با هر گامی که آدمی پیش می رود ، این اعتقاد در وی راسختر می گردد که خداوند بهترین دوست انسان و از هر چیزی و هر کسی به وی نزدیکتر است و راهنمایش به خیر و صلاح و عدل و احسان می باشد . یاد خدا و نعمتهایش عامل موثر تأمین سعادت می شود و ذکر حضرت حق و احساس حضور و عنایت دائمش طمأنینه‌ای را به انسان ارزانی می دارد که لازمه شرح صدر و تمرکز ذهن است و به برترین عبادات یعنی تفکر درباره آفرینش و آیات خدائی می انجامد .

با بسط دریافتهای علمی ، به تقدیر الهی و به کمک مشاهده وسیر و نظر و علم و تعقل و تفکر

عبث نپنداشتن آفرینش و هدفدار دانستن نظام کائنات و فریضه شمردن این جستجوها، توانسته است زمینه های علمی و تحقیقی را در دنیای اسلام و در تمدن اسلامی توسعه دهد و باسعه صدر و روش بینی و حقیقت نیوشی و دل آگاهی حوزه های جدیدی در نتبح و تحقیق بوجود آورد و یافته های محققان زبان آورش را تفهیم کند و درخت علم و ایمان را که ریشه در دل انسانیت و اعماق وجود آدمی دارد تنومند و بارور سازد .

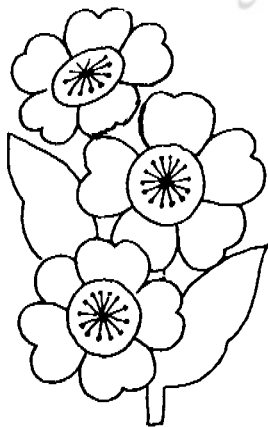
برای وصول به هدف غائی تعلیم و تربیت که به تفصیل مورد بحث قرار گرفت هدفهای زمینه ساز زیر باید همواره در عمل مدنظر باشد :

الف - تعلیم و تربیت فرد در ارتباط با مبدء آفرینش ،

ب - تعلیم و تربیت فرد در ارتباط با خویشی ،

ج - تعلیم و تربیت فرد در ارتباط با جامعه بشری ،

د - تعلیم و تربیت فرد در ارتباط با عالم طبیعت .



زندهای می داند که مانند هر موجود زنده دیگر عمر دارد، اجل دارد، حیات و ممات دارد و تندرستی و بیماری دارد .

تعلیم و تربیتی این چنین که در مقام بیان رسالت انبیا و نتایج آنست، انسان را آزاد و مختار و برجای و روان خویش بینا معرفی می کند . بنابراین ، وی را عامل رهایی و گمراهی خویش و مسئول رفتار شایسته و تبه کاربش می شناسد ، و محصول مجاهده آدسی و سپاس یاکفران نعمتش و گرایش به پاکیزگی بابه گناهش را عائد خودش می داند و در نتیجه انسان را نقشه پرداز و معمار ساختمان سعادت و شقاوت خویش اعلام می کند .

بدین ترتیب ، انسان با شناختن خود ، راه هدایت را چنان هموار می یابد که اگر بخواهد و بکوشد می تواند از برتری جوئی و تفرقه افکنی و خود کامگی و تبه کاری و سرکشی بپرهیزد و به یاری حق از ستم برخویشتن خودداری کند و به میانه روی گزاید و از بیس مقام نیز درگذرد و به سوی خیر شتاب گیرد و برجان جامعه تقوی بپوشاند و عمل صالح را وسیله تقرب به خدا سازد و از غیر او دوری کزیند و هجرتی بزرگ را به سوی او آغاز کند و به پایگاه خلیفه اللهی برآید و از آنجا برای دیدار پروردکار براه افتد و به لقاء رسد و مورد خطاب قرار گیرد و رخصت یابد تا در جمع بندگان وی داخل شود و به جنت او درآید .

بررسی گذشته فرهنگ اسلامی نشان سی - دهد که دست آوردهای این فرهنگ و تمدن ثمره تعلیم و تربیت پرمایه ایست که به ایس هدف غائی متوجه بوده و با عنایت به عقل و به مدد تفکر منسجم درباره طبیعت و جامعه بشری و تاریخ انسان به عنوان آیات الهی و